



پنجشیری خوب و پنجشیری بد تحلیلی بر مضمون محترم محمد صالح گردش

شکی نیست که با موجودیت آزادی و انکشاف فضای مجازی و فعالیت جهانی انترنتی، آنچه به دید خوانندگان در سر تا سر گیتی قرار میگیرد، حتماً آموزنده و منطقی نمی باشد، ولی مسئولیتی که هر فرد فعال در صف نویسندگان دارد، با اظهار نظر های عقیدوی خویش اقلأً ذهن هموطنان و نسل های ما را به کجراهه نکشاند و بر روی حقایقی که ارزش تاریخی، ملی و آموزش صحیح برای نسل های افغان دارد، چنین پرده نیندازد.

به تاریخ دهم ماه می، مطلبی تحت عنوان «**کدام پنجشیری خوب بود؟ به نظر من، دستگیر پنجشیری!**» در وبسایت افغان جرمن آنلاین به نشر رسید که موجبات حیرت و تأسف فراوانی را در پی داشت. اولاً باید عرض نمود که وبسایت مذکور که عملاً در پالیسی نشراتی بر اصل کمیت استوار است، در انتشار چنین مطالبی تعجبی را بار نمی آورد. ثانیاً این نشریه با تجمع روز افزون از زیر دار گریختگان هر دو حزب دیموکراتیک خلق و دنباله روان آنان با تمام سوابق سیاه و ننگین شان، به تعداد قلم بدستان نشریه خود هر چه بیشتر می افزاید.

با وجود عدم شناسایی آقای «**محمد صالح گردش**»، همینکه عنوان مضمون مورد بحث را مشاهده نمودم، کنجکاوی زیادی در مطالعه آن بمن دست داد که اینک نکاتی را باهم مطالعه می نمایم:

آقای گردش بعد از مقدمه ای در شناخت خانمی که گویا دختر «**دستگیر پنجشیری**» یکی از خابین ترین و با سابقه ترین وابستگان کی جی بی و متنفذین حزب دیوکراتیک خلق باشد، تصمیم میگیرد که با وی خاک افغانستان را به مقصد پاکستان ترک نماید. تاریخ این ترک وطن سال ۱۳۷۲-۷۳ هـ ش مطابق به ۱۹۹۲-۹۳ میلادی، یعنی بعد از شکست خفت بار حزب نا دیموکراتیک خلق و اتحاد شوروی اشغالگر و البته آغاز جنگ های خونین تنظیم های قسی القلب جهادی بوده است. پس این خانواده ها که با وجود سهولت همیشگی ای که ترک وطن از راه پاکستان داشته است، تا آندم چون

بر خلاف اکثریت ملت پراگنده و آواره افغان در امن و امان قرار داشتند، با آغاز جنگ داخلی عزم ترک افغانستان عزیز را نمودند. حال آقای گردش به سراغ خانم مذکور قبل از مسافرت به پاکستان، در شهر کابل به خانه «دستگیر پنجشیری» می‌رود و ازین جاست که قضاوت و تمجید این هموطن ما از یکی از خطرناک ترین، خاین ترین و فردی نهایت وجدان فروخته در خدمت کی جی بی و وابسته به قوای اشغالگر شوروی در افغانستان، آغاز می‌گردد. پناه بر خدا!!

قبل از آغاز تمجید غیر قابل باور «دستگیر پنجشیری»، در مضمون و قصه عروسی و مهمانی‌ها در مزار شریف، وی چنین تحریر می‌دارد... "بعد از آنسال با رویداد هفت ثور نظام و شالوده همه روابط اجتماعی فرو ریخت و هر کس به راه خود رفتند."

پس نویسنده ما متوجه مصیبت هفت ثور که شالوده نظام و روابط اجتماعی را منهدم می‌سازد گذشته است، ولی هرکس به راه خود نرفت هموطن گرامی!! مگر جناب گردش از مصیبت خانمان سوزی که از ۴۶ سال به اینطرف گریبان یک ملت مظلوم و بی دفاع و البته آواره را با ملیون‌ها کشته، زخمی و معیوب رها نمی‌نماید، از جایی یا کسی نشنیده است؟ هیئات!

مگر این اعضای هردو حزب دیموکراتیک خلق به شمول «دستگیر پنجشیری»‌ها و امثال و همگام و طنفروش شان نبوده است که با وابستگی به رژیم مخوف سوسیال امپریالیزم شوروی و دهه‌ها رهنمایی سفارت آنکشور در کابل، خاک مقدس افغانستان عزیز را دو دستی تقدیم آن ابر قدرت اشغالگر نمودند و با هجوم ۱۲۰ هزار عسکر مجهز و مدرن ترین ماشین جنگی عصر، دردا که خاک پاک وطن ما را با تخریب و کشتار وسیع مورد تجاوز ددمنشانه قرار دادند؟!

اگر آقای گردش از هلی کوپتر هایی که بم‌های خوشه‌یی به شکل اسباب بازی، در مزارع افغانستان و بر سر زنان و کودکان بیگناه می‌ریختند، بیخبر هست، اقلأً با خبر باشد که در مدت کمتر از دو سال، گذشته از بمباری‌های پراگنده که در اثر آن هزاران قریه از نقشه جغرافیای جهان ناپدید گردید، بیشتر از ۵۰۰۰ در شهرها از اهل کسبه تا قشر تعلیم یافته و اعضای صد ها فامیل کشته و در قبر های دسته جمعی مدفون گردیدند. این جنایات و فجایع دهشتناک بشری مگر بر ملت افغان که آقای گردش و «دستگیر پنجشیری» جزئی از آن شمرده میشوند، واقع نگردیده است؟!

مگر این «دستگیر پنجشیری» نبود که با نزدیکی و اعتمادی که روس‌ها بر وی داشتند ناظر و شاهد قتل همتای خیانت پیشه دیگری به نام «حفیظ الله امین» در قصر چهل ستون گردید؟!

باری نویسنده ما آقای گردش به خانه یکی از خاین ترین افغان وطن فروش در شهر کابل تشریف میبرد و میزبان «!» مهربان و شکسته نفس از وی با پطنوس چای پذیرایی می نماید و خانه وی بسیار ساده و بی پیرایه بوده و.... یا الله!

عجب که آقای گردش متوجه نگردیده که «دستگیر پنجشیری» که مانند همکیشان خویش غرب جهانخوار را نفرین میکرد، در نهایت ذلت و بیچارگی در امریکا و خیرات سوسیال آن پناه آورد!

بلی هموطن محترم، بعد از سقوط سلطنت، با موجودیت گروه های متعلق به غیر و همسایگان سخیف، افغانستان آزاد و غیر منسلک به تدریج در سرآشویی سقوط قرار گرفت که در دوره های مختلفه گروه هایی به قدرت رسیدند که نه ملی بودند و نه خدمتی به ملک و مردم آن صورت گرفت. ولی این دلیل نمیشود که چون منزل پنجشیری ساده بود و وی سرمایه ملی را مانند قدرت های بعدی تاراج ننموده بود، وی را با تمجید و تقدیر بستاییم. به گفته حضرت حافظ:

تو غره بدان مشو که می می نخوری صد کار کنی که می غلام است آنرا

به گمان اغلب که منظور شما از مقایسه «پنجشیری ها»، فرد دیگر یعنی «احمد شاه مسعود» خواهد بود. بلی این مرد چند چهره که با وابستگی به دستگاه های استخباراتی ممالک مختلفه، در پهلوی بیشمار جنایات بشری، همگامی با عساکر اشغالگر شوروی، قهرمان کشتار و قتل عام بیشتر از پنج هزار هموطنان مظلوم هزاره ما در «افشار» هم میباشد، دقیقاً خیانت پیشه و منافق بوده است، ولی نمیشود یک انسان قابل انتقاد و رو سیاه تاریخ را که «دستگیر پنجشیری» باشد به خیانت پیشه دیگری که خودش و فامیلش عمریست که به غارت سرمایه های ملی هم مبادرت ورزیده است، مورد ارزیابی قرار دهیم. اما در زمینه «پنجشیری خوب و بد» باید به عرض رسانید که:

ولسوالی پنجشیر که گنجایش ولایت بودن را نداشت و با سیاست بازی ها چنین گردید، قسمتی از خاک پاک افغانستان است که به جز از یک اقلیت استفاده جو و خلاف کار غیر ملی، دارای نفوس و مردمان شریف، زحمت کش و ذاتاً اکثراً مهربان و در دوستی متعهد و وفادار هستند. چه نظر به قانون و چه از لحاظ متوطن بودن در سرزمین ما، افغان بوده و از حقوق و وجایب هر هموطن دیگری برخوردارند. در حقیقت نوشتن «کدام پنجشیری خوب بود»، یک روش توهین آمیز به باشندگان قسمتی از سرزمین ما تلقی میگردد که هیچ گناهی را در ساحة ملی و اجتماعی مرتکب نشده اند، بلکه یک اقلیت چپاولگر و گمراه که میتوانست مانند ربانی، دوستم، سیاف، حکمتیار و و به هر گوشه دیگر وطن متعلق باشد، از قضا از سرزمین پنجشیر بوده است.